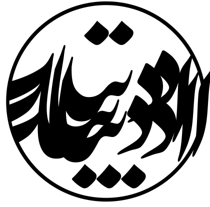


# ز مازندران شهر ما یاد باد...

**فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران**
**آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی**

**مصطفی انصاری**



*Mazandaran*

فرهنگ هر جامعه‌ای، بیانگر هویت و ارزش‌های خاص آن جامعه و عامل انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی است، پژوهش و تحقیق پیرامون فرهنگ اصیل مردم مازندران که در تار و پود اعتقادات، آداب و رسوم، باورها، افسانه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها و ... یافت می‌شود، ضرورتی است انکارناپذیر که درک آن، دوستداران و شیفتگان حفظ این میراث اصیل و ارزشمند فرهنگی را بر آن می‌دارد تا هر یک به سهم خویش، متناسب با توش و توان خود، گامی در جهت مکتوب‌نمودن و حفظ این آثار ارزشمند به‌جامانده بردارند.

اصالت و ارزش والای فرهنگ مردم این مرز و بوم از یک سو و عدم وجود آثار مکتوب قابل توجه و کافی در مورد فولکلور یا ادبیات شفاهی از سوی دیگر، انگیزه‌ای بود تا پس از نوشتن کتاب «فرهنگ ضرب‌المثل‌های مازندرانی» به تألیف این کتاب با عنوان «ز مازندران شهر ما یاد باد...» بپردازم.

**انتشارات شلفین**

شابک : ۶-۱۸۶-۱۰۰-۶۰۰-۹۷۸




# به نام خداوند جان و خرد

# ز مازندران شهر ما یاد باد ...

## فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران

### آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی

# ز مازندران شهر ما یاد باد ...
## فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران
## مصطفی انصاری

---


❖ **انتشارات شلفین**

❖ **شمارگان:** ۱۰۰۰ نسخه

❖ **نوبت و سال چاپ:** نخست – ۱۳۹۳

❖ **ویراستار:** بهزاد انصاری

❖ **طرح جلد:** هدیه بهرام‌پرور

❖ **قیمت:** ۱۰۰۰۰ تومان

---

| | |
|---|---|
| سرشناسه: | انصاری، مصطفی/ ۱۳۳۵. |
| عنوان و نام پدیدآور: | ز مازندران شهر ما یاد باد: فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی/ مصطفی انصاری. |
| مشخصات نشر : | ساری، شلفین، ۱۳۹۰. |
| مشخصات ظاهری: | ۱۸٦ ص. |
| شابک: | ۹۷۸-٦۰۰-۱۰۰-۱۸٦-٦ |
| وضعیت فهرست‌نویسی: | فیپا |
| کتابنامه: | کتابنامه ۲۰۷ |
| موضوع: | فرهنگ عامه -- ایران -- مازندران |
| | موسیقی محلی ایرانی -- مازندران |
| رده‌بندی کنگره: | ۱۳۹۰ ۸ الف ۲ م/ ۲۹۱ GR |
| رده‌بندی دیویی: | ۲۰۹۵۵۲۲/۳۹۸ |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۲٤۸۱۹۳٦ |


---


❖ **مازندران – ساری** تلفن: ۳۳۳۲۱٤۲۷ – ۰۱۱

❖ همراه مؤلف: ۰۹۳۵۵۱۷٤۱٦۷ تلفن: ۳۳۳۹۱۲٤۱ – ۰۱۱

# ز مازندران شهر ما یاد باد ...

## فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم مازندران
### آداب و رسوم، باورها و موسیقی بومی مازندرانی

مصطفی انصاری

انتشارات شلفین

تقدیم به :

مردم خوب و صمیمی مازندران

## فهرست مطالب

## فصل دوم



## فصل سوم

## فصل چهارم

سـراینـده‌ای این غزل سـاز کرد
دف و چنگ و نی را هـمآواز کرد
ز مـازنـدران شـهـر ما یاد بـاد
همیشه بـر و بـومـش آبـاد بـاد
«فردوسی»

## مقدمه

اصالت و ارزش والای فرهنگ مردم این مرزوبوم از یک سو و عدم وجود آثار مکتوب قابل توجه و کافی در مورد فولکلور یا ادبیات شفاهی از سوی دیگر، انگیزه‌ای بود تا پس از نوشتن کتاب «فرهنگ ضرب‌المثل‌های مازندرانی» به تألیف این کتاب با عنوان «ز مازندران شهر ما یاد باد...» بپردازم.

با توجه به این نکتهٔ بسیار مهم و ضروری که فرهنگ هر جامعه‌ای، بیانگر هویت و ارزش‌های خاص آن جامعه و عامل انتقال این ارزش‌ها به نسل‌های بعدی است، پژوهش و تحقیق پیرامون فرهنگ اصیل مردم مازندران که در تار و پود اعتقادات، آداب و رسوم، باورها، افسانه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها و ... یافت می‌شود، ضرورتی است انکارناپذیر که درک آن، دوستداران و شیفتگان حفظ این میراث اصیل و ارزشمند فرهنگی را بر آن می‌دارد تا هر یک به سهم خویش، متناسب با توش و توان خود، گامی در جهت مکتوب‌نمودن و حفظ این آثار ارزشمند به‌جامانده بردارند.

در غیر این صورت، بدیهی است که با توجه بـه تحـولات پرشـتاب اجتماعی و فرهنگی، به‌خصوص در زمینـهٔ ارتباطـات سـهل و سـادهٔ فرهنگ‌های گوناگون، ادبیات شفاهی و عامـهٔ مـا کـه طـی قـرون و اعصار، به طور شفاهی و سینه به سینه، از فردی بـه فـرد دیگـر و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و به ما رسیده است، به تدریج کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شده و معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد.

اما در ارتباط با این مرز و بوم همیشه سرسبز، چیزی که بـیش از موارد دیگر، توجه هر مازندرانی را به خود جلب می‌کند، یکی آگاهی از وجه تسمیهٔ مازندران و دیگری کسب اطلاع از پیشینهٔ نژادی مـردم مازندران است که در مورد آن‌ها باید گفت، با توجه به دیـدگاه‌هـای متفاوتی که در این باره وجود دارد، بهتـرین راه حـل را بیـان تمـام اظهار نظرهای موجودی که تا کنون دربارهٔ واژهٔ مازندران و نژاد مردم مازندران یافته‌ام، تشخیص داده‌ام؛ هر چند شاید دیدگاه‌هـای دیگـری نیز در منابعی دیگر وجود دارد که من از آن‌ها اطلاعی ندارم.

نکتهٔ دیگر اینکـه عـلاوه بـر مطالـب موجـود در ایـن کتـاب و کتاب‌های متعدد دیگر، گنجینه‌های غیرقابل تصوری از مباحث مربوط به فرهنگ عامه وجود دارد که نه‌تنها تا کنون جمع‌آوری نشده اسـت؛ بلکه با درگذشت هر یک از افراد کهنسال این سرزمین، برای همیشـه فراموش می شود.

دست‌یابی به گنجینه‌های ارزشمندی کـه بـه صـورت بـالقوه در اذهان مردم پاک و باصفای مردم مازندران وجود دارد، بـه نگـرش و انگیزه‌ای متفاوت نیاز دارد تا بر اساس آن بتوان با طرحـی گسـترده و

فراگیر و از طریق گفت‌وگوهای رو در رو، به این ذخایر گرانبهای فرهنگی دست یافت...

مطالب موجود در این کتاب پس از اشارهٔ کوتاهی به ویژگی‌های گوناگون مازندران و به‌خصوص ریشهٔ واژهٔ مازندران و سابقهٔ سکونت در این استان، در پنج فصل آمده است که سرفصل‌های آن به ترتیب عبارتند از: «نگاهی به پیشینهٔ نژادی مردم مازندران»، فرهنگ و ادبیات شفاهی یا فولکلور»، «آداب و رسوم مردم مازندران» و «باورهای مردم مازندران» و «موسیقی سنتی مردم مازندران».

در فصل اول، پیشینهٔ نژادی مردم مازندران مورد بحث قرار گرفته و در این ارتباط، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است که بسیار قابل توجه می‌باشد.

مباحث فصل دوم، تحت عناوینی مانند «ادبیات شفاهی»، «ارزش و اهمیت ادبیات شفاهی»، «ضرورت گردآوری ادبیات شفاهی»، «نیم‌نگاهی به موضوع و ساختار افسانه‌های مازندرانی» و... ارائه شده است.

آداب و رسوم مردم مازندران، فصل سوم را به خود اختصاص داده است. در این فصل، علاوه بر بیان ویژگی‌های خاص هر یک از آداب و رسوم، سوگندها، دعاها، طب عوام، بازی‌ها و سرگرمی‌های گوناگون مردم مازندران نیز آمده است.

فصل چهارم، در مورد باورهاست؛ چیزی که نقش بسیار تعیین‌کننده در پندار، گفتار و رفتار انسان دارد. با توجه به اینکه بعضی از باورها عمومیت دارد، ابتدا باورهای مردم مازندران و پس از

آن به ترتیب، باورهای مردم ساری، باورهای هواشناسی مردم آمل، باورهای مردم آلاشت، کندلوس، ایزده، اسرم وکتی‌یا ذکر شده است.

آخرین فصل این کتاب در مورد موسیقی سنتی مردم مازندران است که در آن به وضوح می‌توان ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی مازندران را به‌خصوص در اشعار ترانه و تصنیف‌های مازندرانی مشاهده کرد.

«شعر و ترانهٔ مازندرانی»، «موسیقی مازندران»، «موسیقی آوازی مازندران»، «تصنیف‌های مازندرانی»، «موسیقی آیینی» و «موسیقیِ سازی» از جمله عناوینی است که مطالب این فصل از کتاب را پیش روی شما خوانندگان عزیز قرار می‌دهند.

در پایان از دانش‌پژوهان و شیفتگان هویت و فرهنگ اصیل جوامع بشری تقاضا دارم تا با رهنمودهای خویش، زمینه را برای کاهش کاستی‌ها و معایب این مجموعه فراهم کنند.

**مصطفی انصاری**

**پژوهشگر، مؤلف و مشاور در زمینهٔ بهبود زندگی و طب کل‌نگر و مکمل**

# حروف آوا نگار(فونتیک)

| | | | |
|---|---|---|---|
| A | اَ | ž | ژ |
| E | اِ | S | ث ـ س ـ ص |
| O | اُ | š | ش |
| ā | آ | ĕ | ع |
| ū | او | Q | غ ـ ق |
| i | ای | F | ف |
| b | ب | K | ک |
| p | پ | G | گ |
| t | ت ـ ط | L | ل |
| j | ج | M | م |
| č | چ | N | ن |
| h | ح ـ ه | V | و |
| x | خ | Y | ی |
| d | د | ow | اَو |
| r | ر | ey | اِی |
| z | ذ ـ ز ـ ض ـ ظ | ay | اَی |

# اشاره

## مازندران

سرزمین سرسبز مازندران با وسعت ۲۳۸۲۱ کیلومترمربع، که ۱/٤ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و جمعیتی بالغ بر ۲۹۳۸۹۱٤ نفر(بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵)، از شمال به دریای خزر، از شرق به استان گلستان، از جنوب به استان‌های سمنان، تهران و البرز و از غرب به استان گیلان محدود است.

استان مازندران با توجه به تنوع زیست‌محیطی و مطالعات باستان‌شناسی، از یکصد هزار سال پیش مورد توجه انسان‌های اولیه قرار گرفت. زندگی در غارها و استقرار اولیه در روستاها از دوران جدیدتر زندگی نیاکان، در این پهنهٔ جغرافیایی است. این استان در هزارهٔ سوم پیش از میلاد (۵ هزار سال پیش)، وارد دوران شهرنشینی شد و حیات اجتماعی، همچنان در این دیار با تمام ظرفیت‌های غنی فرهنگی ادامه دارد.

جاذبه‌های فرهنگی، مانند غارهای باستانی، قلعه‌ها و ... به همراه جاذبه‌های طبیعی، همچون تالاب‌ها، چشمه‌های معدنی، آبشارهای زیبا، جنگل، کوه و دشت و دریا با این دیار دیرپا، پیوندی جاودانه دارد. سلسله جبال البرز از یک سو و دریای خزر از سوی دیگر، زیباترین مناظر طبیعی را به وجود آورده است.

## نگاهی به جغرافیای طبیعی استان مازندران

ناهمواری‌های استان مازندران را با توجه به شکل طبیعی آن می‌توان به سه ناحیه تقسیم کرد: ناحیهٔ کوهستانی، ناحیهٔ کوهپایه‌ای و ناحیهٔ جلگه‌ای.

**ناحیهٔ کوهستانی:** رشته‌کوه‌های البرز که بر اثر حرکات کوه‌زایی آلپی در دورهٔ ترشیاری با جهت غربی – شرقی تشکیل شده، جلگه‌های ساحلی و کوهپایه‌ای مازندران را از قسمت داخلی ایران جدا کرده است.

**ناحیهٔ کوه‌پایه‌ای:** ناحیهٔ کوه‌پایه‌ای بین رشته‌کوه‌های البرز و جلگه‌های پست ساحلی مازندران واقع شده است. این ناحیه، از تپه‌های رسوبی و ناهمواری‌های کم‌ارتفاعی تشکیل شده که در اغلب نقاط به موازات ساحل و پوشیده از جنگل و مرتع است.

**ناحیهٔ جلگه‌ای:** سرزمین‌های واقعی بین ساحل دریای مازندران و کوهپایه‌های شمالی البرز، از نوار جلگه‌ای وسیعی تشکیل شده است که پهنای آن در تمام نقاط یکسان نیست.

## پیش‌گفتار

## واژهٔ مازندران و دیدگاه‌های متفاوت!؟

در فرهنگ لغت فارسی، ماز به معنای پیچ و خم است و شاید مازندران را به خاطر داشتن نقاط کوهستانی صعب‌العبور زیاد به این نام خوانده‌اند. برخی نام مازندران را به خاطر دیواری به نام ماز می‌دانند که به دستور مازیار از جاجرم تا جیلان ساخته شد و این سرزمین را محدود می‌کرد. عده‌ای نیز آن را مازوداران دانسته‌اند که به واسطهٔ فراوانی درخت مازو(بلوط)، این نام را به خود گرفته و سپس به مازندران تغییر کرده است.

علاوه بر این، عده‌ای از مورخان و نویسندگان، ریشهٔ واژهٔ مازندران را از کلمهٔ «ماز» به معنی «دژ» می‌دانند. در تاریخ آمده است که مردم مازندران به فرمان «مازیار بن قارن»، سردار معروف تبرستان، برای جلوگیری از نفوذ اعراب، در نقاط حساس این منطقه به احداث «دژ» پرداختند و مازندارن را به صورت «ماز + اندر آن»، به معنی «دژ در آن» می‌شناختند. به گزارش « ابن‌اسفندیار»، مازندران در اصل «موز اندرون»، یعنی «ولایت درون کوه موز» بوده است. حجازی کناری می‌نویسد، بعید نیست که مازندران، (محل سکونت آریایی‌های مهاجر)، نام خود را از خدای خود، «ایندر» گرفته باشد. در این

صورت، مازندران از دو جزء «ماز» و «ایندر» تشکیل می‌شود. «ماز» به صورت‌های مز، مها، مهی و مزی به معنی بزرگ و «ایندر» نیز به صورت «اندر = indra»، نام خدای آنان بود. مجموع دو جزء «خدای بزرگ» و در تلفظ مازاندران یا مازندران، «سرزمین خدایان» یا «سرزمین خدا» را افاده می‌کند.

بنا به گزارش استاد پورداوود در کتاب «مزدیسنا»، در کتیبهٔ شوش، نام قدیم مازندران، «پشتخوارگر» ذکر شده است؛ اما در ارتباط با واژهٔ مازندران باید گفت که به عقیدهٔ «دارمستتر» (زنه اوستا، جلد ۲، صفحهٔ ۳۷۳)، صورت اصلی اصطلاح مازندران، «مزن‌تر» بوده که بعدها مازندران شده است و آن به معنی به سوی و جانب «مازن» است، مانند شوشتر به معنی، به سوی شوش.

همچنین گفته‌اند، مازندران اصلاً به «موزندرون» معروف بوده است؛ زیرا موز(Muz) نام کوهی است در حدود گیلان که تا تالار قصران امتداد داشته و چون این سرزمین در درون کوه موز واقع بوده، به این نام شهرت یافته است.

مازندران که در گذشته تبرستان نام داشت، قسمتی از ایالت قدیم «فرشوادگر» به شمار می‌رفت که این ایالت شامل آذربایجان، آهار، تبرستان، گیلان، دیلم، روی، قومس، دامغان و گرگان بوده است. نام تبرستان هنگام حملهٔ مغول و حکومت سلجوقیان به تدریج متروک گشته و نام مازندران معمول گردید.

## سابقهٔ تاریخی سکونت در استان مازندران

در بررسی‌های به‌عمل‌آمده از غار«کمربند» و «هوتو» (در بهشهر)، مشخص می‌شود که شرایط زندگی انسان‌های دورهٔ پارینه سنگی میانه و جدید در این استان نظیر دیگر مناطق فلات ایران بوده است. در این دوره‌ها انسان‌های اولیه در کوه‌پایه‌ها و دامنه‌های شمالی البرز و هر جا که آب و هوا مساعدتر بوده، به شکار و گردآوری خوراک می‌پرداختند و برای داشتن امنیت و آرامش بیشتر، در غارها(از جمله غاری که در سال ۱۳۶۹ در کنار جادهٔ نکا – بهشهر در جنوب غربی روستای «خانه‌سر» کشف شد) به سر می‌بردند.

وجود آثار دوران نوسنگی (عصر حجر(سنگ)، مربوط به دوره‌ای است که پایان آن‌ها ۸۰۰۰ سال قبل بوده است)، در شرق مازندران، از تحولات زندگی مردم در این استان حکایت دارد. مردم این سرزمین که همانند بعضی از مردم ساکن فلات ایران، توانسته بودند چارپایان را رام و اهلی کنند، به تدریج به سوی دره‌ها و جلگه‌ها و خاک‌های آبرفتی حاصلخیز کشیده شدند و با آغاز کشاورزی، در زندگی خود تحولی ایجاد کردند. با بهترشدن شرایط زندگی، اعم از غذا، مسکن و شرایط مساعد آب و هوا، به تعداد جمعیت آن‌ها نیز افزوده شد.

در ارتباط با ساکنین اصلی سرزمین مازندران باید گفت که مازندران در آغاز جایگاه دیوان مزنی یا بومیان اصلی بوده است و در ظاهر، خود مازندرانی‌های آریایی و مهاجر در آنجا بیگانه به شمار

می‌رفته‌اند. نام و نشان کهن فرمانروایان مازنـدران را از دورهٔ اردشـیر بابکان باید جست‌وجو کرد.

«هفت‌خوان رستم و دیو سفید» که شاهکار شاعر توانـای ایـران، فردوسی است، بر اثر ملاقـات فردوسـی بـا یکـی از معـروف‌تـرین حکمرانان آل باوند، اسپهبد شهریار مایه گرفته است و ملاقات این دو را نظامی عروضی به تفضیل نوشته است.

## گویش مازندرانی

پژوهشگران، گویش مازندران را به چهار لهجهٔ اصلی به صورت زیـر طبقه‌بندی کرده‌اند.

۱- لهجهٔ شهرهای رامسر، تنکابن، کلاردشت، چالوس و نوشهر

۲- لهجهٔ شهرهای آمل، نور و محمودآباد

۳- لهجهٔ شهرهای بابل، قائم شهر، سوادکوه و ساری

٤- لهجهٔ شهرهای نکا و بهشهر

لهجه‌های مناطق ۲ و۳ و٤ را بـه یکـدیگر نزدیـک‌تـر دانسـته و گفته‌اند که لهجهٔ منطقهٔ یک بیشتر به گیلکی ارمنستان گـیلان نزدیـک است.

## گویش‌های کجور

در منطقهٔ کجور، دو گویش اصلی و ریشه‌دار منسوب به دو قومیت ایل و گیل از هم متمایز می‌شوند. گویش گیلکی که گویش مردم بومی منطقه است، به قدمت تاریخ مازندران و کجور سابقه دارد.

گویش کلی که در این منطقه به طور عمده به خواجوندی شهرت دارد، گویش طوایف مختلف خواجوند است و آغاز آن در این منطقه، به زمان مهاجرت این طوایف به کجور برمی‌گردد.